

چهارشنبه 18 دی 1392 - 6 ربیع الاول 1434 - 8 ژانویه 2014

پس از محاصره هویزه توسط دشمن بعثی، تعدادی از بسیجیان به فرماندهی سید محمد حسین علم‌الهدی به دفاع برخاسته و به نبردی سخت پرداختند...

18 دی - 6 ربیع الاول - 8 ژانویه

* 18 دی در دفاع مقدس

* اشغال هویزه توسط مزدوران بعثی عراق (1359 ش)

اشاره:

پس از محاصره هویزه توسط دشمن بعثی، تعدادی از بسیجیان به فرماندهی سید محمد حسین علم‌الهدی به دفاع برخاسته و به نبردی سخت پرداختند. اما این مقاومت به شهادت این پاسداران جان برکف منتهی شد. در پی این حادثه، نیروهای دشمن در 18 دی 1359 ش وارد هویزه شده و آن را اشغال کردند. پس از آن، فرمانده نیروهای عراقی دستور داد تعدادی از مردم بی‌گناه را دست بسته در یک گودال قرار داده و به شهادت برسانند. سپس عراقی‌ها تمام شهر را با دینامیت و بلدوزر نابود کرده و هویزه را به تلی از خاک تبدیل نمودند.

* شهادت شهید مهدی هادیان (1360 ش)

اشاره:

شب ولادت حجة بن الحسن (ع)، کودکی از عاشقان و مشتاقان حضرت (عج) پا به عرصه گیتی نهاد: شهید مهدی هادیان. ششم شهریورماه سال ۱۳۴۳ ش، مادر برای نخستین بار کودکش را در آغوش گرفت و برای ابراز ارادت به مولا، نامش را مهدی گذاشت. مهدی، دوران کودکی را در کوچه‌های مسجد سلیمان سپری کرد و در سن شش سالگی، به دبستان اشراق رفت. مهدی به واسطه علاقه‌اش به مسائل دینی، قرائت کلام‌الله مجید و اصول عقائد را فرا گرفت و در سن چهارده سالگی در تأسیس انجمن اسلامی مسجد سلیمان، نقش مؤثری را ایفا نمود. زمانی که حضرت امام خمینی (ره)، ملت ایران را به مبارزه علیه رژیم پوسیده و سفاک شاهنشاهی فراخواند، مهدی در صف مقدم سربازان روح‌الله (ره) قرار گرفت و در راهپیمایی‌ها فعالانه شرکت نمود. مهدی پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، برای بالا بردن سطح مطالعاتی مردم، مسئولیت بخش فرهنگی و تبلیغاتی انجمن اسلامی را پذیرفت و به فرمان امام (ره) به یاری برادرانش شتافت و بعد از تشکیل بسیج، به عضویت آن نهاد مقدس انقلابی درآمد. مهدی، سال دوم دبیرستان، درس و مدرسه را به شوق حضور در جبهه‌های پیکار حق علیه باطل رها کرد و راهی میدان‌های نبرد با دست‌نشانندگان استکبار جهانی گردید. او ابتدا به پادگان غدیر رفت و بعد از یک ماه تمرینات نظامی، در مقابل دشمنان بعثی ایستاد و سرانجام، جبهه دارخوئین را میعادگاه عروج عاشقانه خویش ساخت و در تاریخ هجدهم دی‌ماه سال ۱۳۶۰ هجری شمسی در سن هفده سالگی، به دیار جاودان عاشقان تارالله پیوست و عاشورائی گشت.

* عملیات کوچک ایزایی در منطقه البکر و الامیه توسط سپاه (1366 ش)

* 18 دی در گذر تاریخ

* مرگ «مظفرالدین شاه قاجار» و جانشینی فرزندش «محمدعلی میرزا» (1285 ش)

اشاره:

مظفرالدین شاه، پنجمین پادشاه سلسله قاجاریه بود که پس از چهل سال ولیعهدی در 44 سالگی به سلطنت رسید. دوران حکومت او برابر با آغاز قیام مشروطه به رهبری روحانیت در اثر ظلم و فساد دربار و فقر و فساد در جامعه بود که در نهایت به پیروزی این نهضت منجر شد و شاه قاجار، فرمان مشروطیت را صادر کرد. از آن پس مقدمات تشکیل مجلس شورای ملی و تدوین قانون اساسی انجام گرفت. ولی اجل به شاه مهلت نداد و وی ده روز پس از امضای قانون اساسی مشروطه، در 18 دی 1285 ش برابر با 24 ذی‌قعدة 1324 ق در 54 سالگی درگذشت. مظفرالدین شاه در حالی که مردم ایران نیازهای اولیه خود را به سختی تهیه می‌کردند، چندین بار به سفرهای دراز مدت اروپایی رفت و قرض‌ها و وام‌های زیادی گرفت تا هزینه خوشگذرانی‌های خود را تامین نماید. از این رو، کشور بیش از پیش مقروض خارجی‌ان گردید و حقوق مردم بیشتر از قبل پایمال شد. وی در دوران پادشاهی خود، امتیازات زیادی به بیگانگان اعطا کرد و در مقابل مبلغ ناچیزی، منابع زیرزمینی ایران را برای مدت شصت سال به فرانسویان داد. پس از مظفرالدین شاه، فرزند بزرگش، محمدعلی میرزا، که نواده دختری امیرکبیر بود به پادشاهی رسید و دور تازه‌ای از استبداد و دیکتاتوری آغاز گشت.

* رحلت آیت الله «سید محمد طباطبایی» از رهبران مذهبی نهضت مشروطیت ایران (1299ش)

اشاره:

آیت الله سید محمد بن صادق طباطبایی در سال 1220ش (1258 ق) در کربلا به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی و مبادی علوم را نزد پدر فرا خواند و سپس در تهران از محضر فیلسوف بزرگ زمان، میرزا ابوالحسن جلوه استفاده کرد. از آن پس راهی عتبات گردید تا به مقام اجتهاد نائل آمد و جزو خواص یاران میرزای شیرازی شده، در امور سیاسی، طرف مشورت او قرار گرفت. سید محمد پس از واقعه تحریم تنباکو، از طرف میرزای شیرازی به تهران رفت و به ارشاد و هدایت مردم مشغول شد. پس از چندی، وی دعوت آیت الله عبدالله بهبهانی را برای مبارزه با دولت پذیرفت و در اعتراض به اعمال دولت، به همراه مردم در حرم حضرت عبدالعظیم تحصن کرد. فعالیت آیت الله طباطبایی به مرور وسعت یافت تا جایی که به یکی از رهبران اصلی مشروطیت در ایران تبدیل شد. با روی کار آمدن محمدعلی شاه و به توپ بستن مجلس، مدتی به مشهد رفت و پس از فتح تهران به تهران مراجعت کرد. سید محمد طباطبایی با ورود نیروهای روس و انگلیس به ایران، در جریان جنگ جهانی اول به ترکیه رفت و پس از شش ماه به ایران بازگشت. از آن پس در امور سیاسی دخالت نکرد تا این که در 18 دی ماه 1299 ش برابر با 28 ربیع الثانی 1339 ق در 79 سالگی وفات یافت و در حرم عبدالعظیم به خاک سپرده شد. طباطبایی، اندیشه‌ای آزاد و تفکری اصلاح طلبانه داشت و آشنایی وی با سید جمال الدین اسدآبادی، تأثیری شگرف در شکل‌گیری تفکرات او داشت.

* سناتور رضا بوشهری بازرگان و نماینده ادوار سابق مجلس درگذشت (1350ش)

* برف سنگین و بی سابقه در تهران، مدارس و مغازه ها را تعطیل نمود(1350ش)

* شرکت مس سرچشمه با یک میلیارد سرمایه تأسیس شد(1350ش)

* دادگاه بدوی نظامی رأی خود را درباره 12 نفر از مخالفان رژیم به شرح زیر صادر کرد (1352ش)

اشاره:

طیفور بطحائی، خسرو گل‌سرخ، منوچهر مقدم سلیمی، کرامت الله دانشیان، عباسعلی سماکار، محمدرضا علامه زاده، رحمت الله جمشیدی محکوم به اعدام بقیه بین 3 تا 5 سال حبس محکومیت یافتند.

* تظاهرات اعتراضی طلاب و علمای قم، نسبت به مقاله توهین‌آمیز به امام خمینی(ره) (1356 ش)

اشاره:

در ساعت 9 صبح روز 18 دی ماه 1356، بریده مطلبی که از روزنامه اطلاعات به قلم احمد رشیدی مطلق تحت عنوان «ایران و استعمار سرخ و سیاه» بر روی دیوار مدرسه خان قم نصب شده بود، توسط یکی از طلاب با صدای بلند خوانده شد. طلاب با شنیدن نام امام صلوات فرستادند و ضمن خروج از مدرسه، اقدام به برپائی تظاهرات کردند و به سمت منزل آیت الله گلپایگانی رفتند. ایشان ضمن ایراد سخنانی، از طلاب خواستند تا وحدت خود را حفظ نمایند؛ همچنین اعلام کردند «اینها دروغ می‌گویند که ما با کارهای آنان موافقیم. علما همه مخالفند.»

پس از خاتمه سخنرانی آیت الله گلپایگانی، اجتماع‌کنندگان به سمت منزل آقای شریعتمداری رفتند و نزدیک ظهر با خاتمه سخنرانی ایشان متفرق شدند. در ساعت 30/15، اجتماعي از طلاب در منازل آیت الله نجفی و آیت الله سید صادق روحانی برپا گردید. (1356ش) در ساعت 30/16، طلاب حوزه علمیه در مسجد اعظم اجتماع کردند و پس از سخنرانی آیت الله شیخ مرتضی حائری درباره مقاله توهین‌آمیز روزنامه اطلاعات، مجدداً تظاهرات دیگری در قم برپا گردید که تا ساعت 30/20 ادامه داشت. در این تظاهرات، تظاهرکنندگان شعارهای «درد بر خمینی - مرگ بر این حکومت یزیدی» سردادند. و این سرآغازی شد برای قیام عمومی مردم ایران و حضور جدی در صحنه انقلاب و ...

* 6 ربیع الاول در گذر تاریخ

* تولد جلال الدین محمد بن بهاءالدین، معروف به مولوی (604 ق)

اشاره:

جلال‌الدین محمد بن بهاء‌الدین محمد در بلخ به دنیا آمد. مقارن حمله‌ی مغولان، به آسیای صغیر واقع در ترکیه‌ی امروزی رفت و در قونیه ساکن شد. وی در نزد پدردانشمند خود تلمذ نمود و چندی نیز در شام کسب دانش کرد. در بازگشت به قونیه به تعلیم علوم دینی اشتغال یافت تا با عارفی واصل و بزرگ به نام شمس الدین محمد بن علی تبریزی در قونیه ملاقات کرد و از نفس گرم او چنان به تاب و تب افتاد که دیگر تا دم واپسین، سردی نیافت. او هیچ گاه از ارشاد سالکان و افاضه‌ی حقایق الهیه باز نایستاد. از این دوره‌ی پرشور که سی سال از پایان حیات مولوی را دربرمی‌گرفت، آثار بی‌نظیر ملای روم باقی مانده است. مثنوی عظیم معنوی در 26 هزار بیت، دیوان غزلیات شمس، رباعیات معروف او و مجالس سبعة و فیه ما فیه، از جمله آثار اوست.

* مرگ «ارغون خان» ایلخان مغول پس از هفت سال حکومت در آذربایجان (690 ق)

اشاره:

پس از مرگ تگودار احمد، ارغون خان پسر اباقخان مغول در هشتروند آذربایجان به پادشاهی رسید و پسر خود غازان را به فرمانروایی خراسان منصوب کرد. او در ابتدا، خواجه شمس‌الدین جوینی را به علل دشمنی‌های سابق، بخشید ولی پس از مدتی به دلیل بدگویی‌های اطرافیان دستور قتل او را صادر نمود. پس از چندی ارغون خان، سعدالدوله یهودی را که پزشک دربار او بود به وزارت برگزید و دیری نپایید که سعدالدوله، تمام مشاغل حساس را به خویشان یهودی خود سپرد. این روند باعث نارضایتی مغولان شدند و از او بدگویی کردند. از این جهت، هنگامی که ارغون خان در بستر مرگ بود، دشمنان او بر سر سعدالدوله و اطرافیان او ریخته و همه‌ی آن‌ها را از دم تیغ گذراندند. شش روز پس از این واقعه، ارغون خان مغول در ششم ربیع‌الاول سال 690 ق درگذشت.

* ورود امین‌السلطان صدر اعظم محمد علی شاه قاجار به ایران (1325 ق)

اشاره:

با عزل مشیرالدوله از صدارت، محمدعلی شاه قاجار، امین‌السلطان را از فرنگ دعوت کرد و او را به مقام صدارت منصوب نمود. امین‌السلطان در قدم اول در صدد برآمد تا با همکاری نمایندگان معتدل مجلس، از روسیه قرض جدیدی بگیرد. لیکن وکلای تندرو مخصوصاً نمایندگان آذربایجان نه تنها مانع انجام طرح او شدند بلکه به مخالفت با او پرداختند. به دنبال این اختلافات، طولی نکشید که امین‌السلطان در رجب سال 1325 به دست یکی از فدائیان مشروطه خواه به قتل رسید.

* 8 ژانویه در گذر تاریخ

* درگذشت «گالیلو گالیله» منجم و ریاضی‌دان شهیر ایتالیایی (1642م)

اشاره:

گالیلو گالیله ریاضی‌دان و فیزیک‌دان ایتالیایی در 18 فوریه سال 1564م در شهر پیزا در ایتالیا به دنیا آمد و در فلورانس به تحصیل پرداخت. وی علوم پزشکی و ریاضیات را آموخت و سپس در نجوم مشغول گردید و در این علم شهرت یافت. یکی از اولین دوربین‌ها را او اختراع کرد و به وسیله آن معلوم ساخت که کره ماه دارای کوه‌های متعدد است. او همچنین عنوان کرد که کهکشان از ستارگان بی‌شماری تشکیل شده است. گالیله در ادامه کار، موفق به مشاهده چهار قمر مشتری شد و لکه‌های خورشید را به چشم دید. وی توانست عقاید ذی‌مقراطیسی که زمین را مرکز عالم عنوان می‌دارد رد کرده و با استدلالات ریاضی ثابت نماید خورشید مرکز منظومه شمسی است. گالیله در سال 1601م کلیه عقاید نجومی خود را در کتابی تحت عنوان پیک آسمان منتشر ساخت که تحسین دانشمندان را برانگیخت. وی در این کتاب اثبات نمود برخلاف نظریه غالب که زمین را مرکز عالم می‌داند و همه اجرام آسمانی به دور زمین می‌چرخند، عنوان کرد زمین به همراه دیگر کرات به دور خورشید می‌گردند. انتشار این عقاید، خشم کلیسای قرون وسطایی ایتالیا را برانگیخت. گالیله نمی‌توانست مخالفین خود را به وسیله تجربه و مشاهده محکوم کند، زیرا آنان هیچ‌گونه استدلال غیرمذهبی را نمی‌پذیرفتند. از این رو، کلیسا عقاید او در باب حرکت زمین به گرد خورشید را کفر شمرد و مجبورش کرد تا به زانو در آید و از آن عقیده استغفار کند. گالیله سرانجام در 8 ژانویه 1642م در 78 سالگی درگذشت.

* صدور اعلامیه 14 ماده‌ای «وودرو ویلسون» رئیس‌جمهور امریکا (1918م)

اشاره:

پس از جنگ جهانی اول، امریکا علی‌رغم کسب منافع و غنائم بی‌شمار، کوشید نفوذ معنوی و اخلاقی خود را در جهان گسترش دهد و در چشم ملل خسته از جنگ به صورت منادی صلح و آزادی جلوه‌گر شود. به این منظور و با توجه به اینکه کشورهای زرخیز آفریقا و آسیا را حریفان اروپایی قبلاً تسخیر کرده بودند و سهمی برای امریکا باقی نمانده بود، آن کشور اعلام داشت صلح آتیه نباید متکی به قدرت و تسلط استعماری باشد، بلکه یک سیستم بین‌المللی باید به وجود آید تا آزادی و حرمت و حقوق کلیه دولت‌ها براساس آن محترم شناخته شود و کلید این سیستم نیز در دست امریکا قرار داده شود. بر همین اساس، وودرو ویلسون، بیست و هشتمین رئیس‌جمهور امریکا اعلامیه چهارده ماده‌ای مشهور خود را در هشتم ژانویه 1918م صادر کرد. این مواد چهارده گانه عبارت بودند از: علنی بودن قراردادهای و مذاکرات سیاسی؛ آزادی دریاهای مگر در برخی موارد؛ حذف موانع گمرکی؛ تقلیل تجهیزات جنگی؛ حل بی‌طرفانه اختلافات مستعمراتی؛ همچنین تخلیه سرزمین روسیه، بلژیک و اراضی فرانسه؛ اصلاح مرزهای ایتالیا؛ استقلال اقوام اتریش - مجارستان؛ تخلیه اراضی صربستان، رومانی و مونته‌نگرو؛ استقلال سرزمین‌های غیرترکی امپراتوری عثمانی؛ تأسیس مجدد دولت لهستان و ایجاد مجمع اتفاق ملل به منظور تضمین استقلال دولت‌های کوچک و بزرگ. هدف نهایی امریکا از پیشنهاد این مواد آن بود که از این راه، قدرتی معنوی، همچون اقتدار سیاسی و اقتصادی

که کسب کرده بود برای خود دست و پا کند. هرچند این طرح و تلاش‌های بعدی ویلسون مقدمه‌ای برای تشکیل جامعه ملل گردید، با این حال نفوذ روز افزون امریکا را در ارکان قدرت جهان فراهم کرد.

* آغاز مسلط کردن آل سعود بر حجاز با به سلطنت رساندن «عبدالعزیز ابن سعود» توسط انگلستان (1932م)
اشاره:

عبدالعزیز بن سعود یکی از رؤسای قبایل حجاز بود که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به مقابله با دولت عثمانی پرداخت و به فتوحاتی نایل آمد. در سال 1903م، که ترکان عثمانی از ناحیه احساء حجاز بیرون رانده شدند اساس حکومت سعودی بنیان نهاده شد. در جریان جنگ جهانی اول، سعودی‌ها با بریتانیا از در دوستی در آمدند. در نتیجه پس از پایان جنگ جهانی، به واسطه شکست دولت عثمانی، سلطه عثمانی بر عربستان به طور کلی پایان یافت. در جنگی که میان عبدالعزیز بن سعود و حسین بن علی، شریف و حاکم مکه در گرفت، ابن سعود به پیروزی‌هایی دست یافت و بدین ترتیب، حجاز نیز جزئی از قلمرو وی شد. سرانجام انگلستان، این منطقه را در سال 1926 بر طبق معاهده جده، مستقل شناخت و عبدالعزیز بن سعود خود را سلطان حجاز خواند و سپس در سال 1927م، عنوان خود را به سلطان حجاز و نجد تبدیل کرد. پس از چندی در هشتم ژانویه سال 1932، عبدالعزیز به عنوان سلطان عربستان بر تخت پادشاهی نشست. همزمان با آن، کشور عربستان تأسیس شد و به جهت نام سعود، عربستان سعودی نامیده شد.

* آغاز جمهوری پنجم فرانسه به ریاست ژنرال «شارل دوگل» (1959م)
اشاره:

در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم، فرانسه گرفتار بحران‌های سیاسی گوناگونی بود. هیچ حزبی اکثریت مطلق پارلمانی را نداشت تا بتواند دولتی با ثبات را تشکیل دهد. کابینه‌های ائتلافی نیز چنان متزلزل بودند که قدرت گذراندن لوایح را در پارلمان فرانسه نداشتند. در ادامه این جریان‌ها، زمانی که دولت وقت فرانسه سقوط کرد، ژنرال شارل دوگل، که در زمان جنگ، ریاست دولت آزاد فرانسه را در لندن برعهده داشت طی انتخاباتی که در نوامبر 1958م صورت گرفت به ریاست جمهوری آن کشور برگزیده شد. دوگل در زمانی به قدرت رسید که اختلافات داخلی، فرانسه را به نابودی تهدید می‌کرد. وی طرح قانون اساسی جدیدی تهیه کرد که به موجب آن، رئیس جمهور، قدرتی برابر قوه مقننه داشت. این طرح مورد تأیید ملت فرانسه قرار گرفت و به این ترتیب از هشتم ژانویه 1959، جمهوری پنجم فرانسه به رهبری دوگل آغاز به کار کرد.

* مرگ «چوئن لای»، سیاست‌مدار و اولین نخست وزیر کمونیست چین (1976م)
اشاره:

چوئن لای، اولین نخست وزیر یا رئیس شورای دولتی جمهوری خلق چین در سال 1898م به دنیا آمد. وی برای ادامه تحصیلات راهی پاریس شد و در آنجا، به کمک چینی‌های تبعیدی، حزب کمونیست را با الهام از حوادث انقلاب اکتبر روسیه پایه‌ریزی و سازماندهی کرد. چوئن لای پس از بازگشت به چین مدتی به امور سیاسی اشتغال داشت و پس از فرار به شوروی سابق در سال 1931م، کمیسر سیاسی ارتش سرخ شوروی شد. او در سال 1936م به عنوان مرد شماره دو حزب کمونیست چین تبدیل گردید و پس از پیروزی کمونیست‌ها و برقراری جمهوری خلق چین به رهبری مائوتسه تونگ، چوئن لای در اکتبر 1949م به ریاست شورای دولتی چین و نخست‌وزیری این کشور دست یافت. او همچنین در جریان انقلاب فرهنگی چین در نیمه دوم دهه 1960م، ریاست مرکزی حزب کمونیست چین را برعهده گرفت. چوئن لای در سال 1967م به عضویت گارد سرخ درآمد و از افکار مائو حمایت کرد. اما با استفاده از اعتماد مائو به خود، علی‌رغم میل رادیکال‌ها و تندروهای معتقد به انقلاب فرهنگی به رهبری خانم مائو، همسر مائوتسه تونگ، بسیاری از تصفیه شدگان را که ظاهراً از موضع قبلی خود عدول کرده بودند به قدرت بازگرداند که از همه مهم‌تر، دنگ شیائو پینگ دبیر کل سابق حزب بود. چوئن لای پس از 27 سال نخست‌وزیری، سرانجام در هشتم ژانویه 1976م در هفتاد و هشت سالگی درگذشت و هوا کوفنگ به جانشینی او انتخاب شد.

* مرگ «بیدن پاول» صلح دوست انگلیسی مؤسس سازمان پیشاهنگی (1941م)
اشاره:

بیدن پاول مؤسس سازمان پیشاهنگی در 22 فوریه 1857م در خانواده‌ای مذهبی در لندن به دنیا آمد. وی از جوانی وارد ارتش شد و به درجات بالای نظامی دست یافت. پاول، در دوران خدمت خود در هند، افغانستان و آفریقای جنوبی، به سربازان تحت نظر خود، درس اعتماد به نفس و شهامت و چاره‌جویی در برابر مشکلات می‌داد و صلح را ترویج می‌کرد. پس از پایان خدمت، دولت انگلستان از او خواست تا برنامه‌های سازنده و تربیتی برای جوانان تهیه کند. پاول تلاش کرد با ایجاد سازمانی، نوجوانان را برای ورود به جامعه آماده سازد و از آنان برای کمک به نیازمندان استفاده نماید. تلاش‌های پاول منجر به تأسیس سازمان جهانی پیشاهنگی در سال 1908م گردید که بعدها در سراسر جهان پذیرفته شد. هدف این سازمان غیرنظامی، بهبود قوای جسمی، روحی و روانی نوجوانان است که همزمان با زیاد کردن اطلاعات ایشان، به تحکیم مبانی وطن پرستی آنان نیز می‌پردازد. این پیشاهنگی که پسران بالاتر از یازده سال را تحت پوشش قرار می‌داد با اقدامات گسترده پاول فراگیر شد. دو سال بعد، پاول به کمک خواهرش، پیشاهنگی دختران را در سال 1910م تأسیس کرد و وظیفه آن را آموزش وظایف اجتماعی قرار

داد. بیدن پاول در سفری به دور جهان به ترویج ایده خود پرداخت و در سال 1920م، عنوان سرپیشاهنگ جهان را دریافت نمود. او در این زمینه کتاب‌های متعددی نگاشت که پیشاهنگی برای پسران از آن جمله است. بیدن پاول سرانجام در 8 ژانویه 1941م در 84 سالگی درگذشت.